



فهلویات*

احمد تفضلی

ترجمه فریبا شکوهی

فهلویات (مفرد آن: فهلویه، معرب صورت فارسی پهلوی به معنای اولیه آن یعنی «پارتی»)، نامی که به ویژه بر دوبیتی‌ها و توسعاً بر اشعاری اطلاق شده که به طور کلی به گویش‌های کهن نواحی پهل/ فهلله سروده شده‌اند. به روایت ابن مقفع (در الفهرست، چاپ تجدّد، ص ۱۵؛ *The Fihrist*, tr. Dodge, Vol. I, p. 24)، فهلله پنج ناحیه اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان، یعنی سرزمین ماد را در برمی‌گرفت (قس خوارزمی، ص ۱۱۷، که این کلمه را به صورت بهله ضبط کرده است). ابن خردادبه (ص ۵۷) پهلله یا فهلله را شامل ری، اصفهان، همدان، دینور، نهاوند، مهرجان‌کذک، ماسبذان و قزوین دانسته است. کاربرد فهلله (فارسی میانه: *pahlav*) برای سرزمین ماد به اواخر دوران اشکانی می‌رسد (cf. HENNING, p. 95). نمونه‌هایی از فهلویات که در متون فارسی آمده بیشتر به مناطق یادشده منسوب است. با این همه، از نظرگاه زبان‌شناختی، سرزمین فهلله را می‌توان تا گیلان گسترش داد. بدین ترتیب فهلویات شامل اشعاری است که به گویش‌های غربی، مرکزی، و شمالی ایران سروده شده است. شاهدهی وجود دارد حاکی از آنکه پاره‌ای دوبیتی‌های غنائی عامیانه را صوفیان ایرانی بغداد در قرن سوم هجری در مجالس سماع، به آواز، می‌خواندند. این دوبیتی‌ها بعید است که به زبان عربی بوده باشند

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Tafazzoli, Ahmad, "Fahlavāyāt", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IX, New York 1999, pp. 158-162.

و به احتمال قوی همه به گویش‌های محلی ایران بوده‌اند (شفیعی‌کدکنی، ص ۲۳۳۵-۲۳۳۹). قدیم‌ترین نمونه دو بیتی فهلوی، ظاهراً به گویش نهاوندی، به ابوالعباس نهاوندی‌نامی (وفات: ۳۳۱) منسوب است (فصیح‌خوافی، ج ۲، ص ۵۴ بدون ذکر نام فهلوی، ← ریاحی، ص ۱۹۲۸ و بعد). همین دو بیت را سروری (ج ۱، ص ۳۰۰) نیز با اندک اختلافی نقل کرده و گفته که این قطعه «به طریق شروه» به آواز خوانده می‌شده است (← دنباله مقاله). این دو بیت، هرچند در قرن چهارم سروده شده، چندان به صورت فارسی درآمده که به سختی ویژگی‌های کهن فهلویات قرن چهارم را در آن می‌توان یافت.

فهلویات به لحن‌هایی (ملحونات) به نام اورامنان *Orāmanān* ساخته و خوانده می‌شد (شمس‌الدین رازی، المعجم، ص ۱۶۶؛ برهان قاطع، چاپ معین، ذیل اورامن). به نظر می‌رسد که این اصطلاح، با نام *Avroman* در کردستان مربوط باشد. صورت دیگر این کلمه، *ōrāma*، گاه برای دلالت بر فهلویه به کار می‌رود (عین‌القضات، ج ۲، ص ۸۲ پانوش ۷، ۱۶۸، ۱۷۶، ۳۷۴، ۴۱۱، ۴۴۴). شیوه دیگری که در خواندن فهلویات به کار می‌رود شروه نامیده می‌شد که منشأ آن دانسته نیست (← سروری، ج ۱، ص ۷۶، ۳۰۰: به طریق شروه؛ ج ۳، ص ۱۱۰۴، ۱۴۹۴-۱۴۹۵: در شروه؛ ← کیا ۱۳۵۷، ص ۳۴-۳۷؛ قس شروه‌خوان «آن که به آهنگ شروه خواند» در کنار فهلوی‌گو در بیتی به فارسی ← لغت‌نامه، ذیل شروه). اصطلاح مشابه دیگری، که باز منشأ آن دانسته نیست و در فرهنگ‌های فارسی ضبط شده است، باهار است که «طریقی از خواندن شبیه فهلوی و رامندی» (کیا ۱۳۵۷، ص ۳۳، ۳۴؛ ← دنباله مقاله) معنی شده است. خواندن فهلویات با ساز و موسیقی نیز می‌توانسته همراه بوده باشد. (نظامی، هفت‌پیکر، ص ۱۲۷، بیت ۷؛ همو، خسرو و شیرین، ص ۹۸، بیت ۷)

علاوه بر اصطلاح فهلوی، گاه اصطلاحات دیگری نیز برای شعر محلی به کار می‌رفت؛ مثلاً اصطلاح *راژی/ رازی* که در اصل برای اشعاری که به گویش ری سروده شده بود به کار می‌رفت و بعداً توسعه معنایی یافت و برای اشعار محلی آذربایجان و نیز اشعار فهلوی شاعری شیرازی نیز به کار رفت. اصطلاحات دیگر عبارت‌اند از شهری (ادیب طوسی ۱۳۳۵، ص ۲۴۰-۲۴۲؛ رضازاده، ج ۲، ص ۶۱-۶۶؛ ریاحی، ص ۱۹۲۱-۱۹۲۵)، قس پهلوی فارسی به معنی «شهر» در برابر دشت و هامون؛ رامندی «مربوط به رامند، از توابع قزوین» که برای دلالت بر طریقه خواندن شعر محلی به کار می‌رفته‌اند؛ همچنین بسنجید با *راژی‌دان* به معنی

(۱) در متن اصلی «ص ۱۳۲۱-۱۳۲۵» آمده است. - مترجم

«کسی که شعر محلی می‌داند» و شهری‌خوان به معنی «کسی که شعر محلی می‌خواند». فهلویات، به عنوان اسباب سرگرمی عامه مردم و نیز منشأ ارضای روحی نخبگان و روشنفکران، طرف توجه و برخوردار از اعتبار فراوانی بود. به گفته شمس‌الدین رازی (ص ۱۶۶) «بیشتر فهلویات به معانی غریب آراسته و به نغمات مرقّ مُطرب پیراسته» بود. محتوای نمونه‌های به جا مانده شامل مضامین تغزلی و عرفانی و نیز توصیف رنگین و زیبای طبیعت و هجاست. به دلیل همین ویژگی‌ها بود که عرفای ایرانی غالباً این اشعار را نقل کرده‌اند. اصطلاحاتی نظیر لحن فهلوی، گلبانگ فهلوی، غزل پهلوی، بیت پهلوی و سرود فهلوی نه تنها بر شعر زیبا و آراسته بلکه همچنین بر شعر معنوی و روحانی دلالت دارد. از این رو، جامی مثنوی رومی را «قرآن به زبان پهلوی» خوانده است. (رضازاده، ج ۲، ص ۶۰) فهلویات ویژگی‌های ادبیات شفاهی را دارند از جمله سادگی و نشاط و سرزندگی، گمنامی سرایندگان آنها، و کم و بیش تکرار مضامین. در بیشتر فهلویات، از سراینده نامی برده نشده؛ صحت انتساب آن دسته از فهلویات نیز که به سراینده‌ای نسبت داده شده باید با قید احتیاط تلقی شود. در برخی موارد، این اشعار به قومی و یا حتی به چهره‌ای افسانه‌ای نسبت داده شده‌اند.

سرایندگان فهلویات ادامه‌دهنده سنت شفاهی پارتی و خنیاگران بعدی در اوایل عصر اسلامی و اصول و مبانی شعری ایرانی میانه‌اند. اما، با اختیار به اصطلاح عروض عربی برای شعر فارسی و به تأثیر آن، فهلویات به تدریج قواعد کمیّت هجاها (اوزان عروضی) را اقتباس کرد که شایع‌ترین آنها بحر هزج بود، هرچند گاه با تصرّفاتی که برای عروضیان سختگیری چون شمس‌الدین رازی (المعجم، ص ۱۶۶-۱۶۷) مایه رمیدگی بود. از آنجا که در فهلویات هنوز تا اندازه‌ای از قواعد شعری پیش از اسلام پیروی می‌شد، این‌گونه انحراف‌ها از قواعد معیار عروضی شعر فارسی احساس می‌شد. اما این تصرّفات، وقتی اشعار به آواز خوانده می‌شد، چندان محسوس نبود، در حالی که وقتی همین اشعار خوانده می‌شد، عروض دان بر فور به معایب وزنی آنها بر طبق قواعد عروض (قواعد مبتنی بر شعر عربی) توجه می‌کرد.

فهلویات مناطق گوناگون، هرچند به لحاظ زبانی تفاوت‌هایی داشتند، در پرتو ویژگی‌های مشترک صرفی و لغوی در پهنه گسترده‌ای از مغرب تا مرکز و شمال ایران، صرف نظر از خاستگاه آنها، نقل و به آواز خوانده می‌شدند. مثلاً یک دوبیتی از دوتن،

یکی اهل ری و دیگری اهل آذربایجان، نقل شده، یا غزلی از همام تبریزی به دیوان عبید زاکانی راه یافته، صائن‌الدین تُرکَةُ اصفهانی بیتی از بابا طاهر همدانی نقل کرده، و حتی بُسحاق اطعمه شیرازی صاحب فهلویات است.

فهلویات، هر چند به صورت کنونی سخت متأثر از زبان فارسی است، چون بقیائی از گویش‌های مادی است، قرابت‌هایی زبانی با زبان پارسی دارد. در اینجا، بحث از همه ویژگی‌های مشترک زبانی و وجوه تفاوت آنها میسر نیست. مع الوصف از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی آنها می‌توان به شرح زیر یاد کرد: کاربرد ساخت ارگتیو در ماضی افعال متعددی؛ وجود دو صورت برای ضمیر اول شخص مفرد «من» (I) (شکل مستقیم، قس *az* در پارسی) و «به من، مرا» (*ma/mo*) (شکل غیرمستقیم (غیرفاعلی)، قس *man* در پارسی و فارسی میانه)؛ استفاده از *ji-/cä-* پیش از مخصص مقلوب در ترکیب اضافی؛ وجود صفات ملکی *jāman/cāman* «مال من» (*my*)، *jāta/cāta/aša* «مال شما» (*your*)، *jāmān/cāmān* «مال ما» (*our*)؛ پیشوند فعلی *hā* (*fra-*)، و تحول *far-* و *xar-* به *har-* (مثلاً *harsūdan* «فرسودن»، *harīdan* «خریدن»).

ذیلاً فهرستی منتخب از واژه‌های درخور توجه ارائه می‌شود: *ahnām* «عشق»، *aj/āz/ja* «از»، *ālāva* «شعله»، *asr* «اشک»، *avā/vā* «با»، *az* «من»، *bar* «در» (*door*) (پارسی: *bar*)، *baš* «بُرز و بالا»، *bīš* «رنج، اندوه» (قس فارسی میانه: *bēš*)، *dil/del* «دل»، *dūm* «چهره» (فارسی میانه/پارسی: *dēm*)، *gēhān* «جهان»، *gyān/gān/yān* «جان»، *hanī* «دیگر» (فارسی میانه/پارسی: *any*)، *herz* «بُنِ هشتن» (پارسی: *hirz*)، *kar-* «بُنِ کردن» (پارسی: *kar-*)، *kīz/kīj* «کَس» (پارسی: *kēz*)، *kovām* «کدام» (صفت پرسشی پارسی/فارسی میانه: *kadām*)، *lāv* «نگرانی»، *māng* «ماه»، *nād/nād* «محبوب»، *ō* «به، در» (پارسی/فارسی میانه)، *rīj* «بُنِ ریختن»، *rūj/rūz/ru* «روز» (پارسی: *rōz*)، *sā(y)* «سایه»، *tahra* «تاریک» (قس اوستایی: *taḫpra-*)، *vātān, vāz-* «بد»، *vāzār* «بازار» (پارسی: *wāzār*)، *vel* «گل سرخ، یار»، *vīn-* «بُنِ دیدن» (فارسی میانه/پارسی: *wēn-*)، *xā* «خاک»، *xā* «خدا»، *xāv* «خواب»، *xāz* «بُنِ خواستن» (پارسی: *xwāz-*)، *yā* «جا» (پارسی: *wyāg*)، *yān* «جان» (قس *gyān/gān*)، *zān-* «بُنِ دانستن» (پارسی: *zān-*)، و *živanda* «زنده» (پارسی: *žiwandag*).

نمونه‌هایی از فہلویات موجود

اردبیل یازده دوبیتی منسوب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی (وفات: ۷۳۵) که پیرزاده با عنوان «منظومه‌های راجی تالشی» آورده است؛ از چهار دوبیتی که ابن بزّاز نقل کرده دو دوبیتی به شیخ صفی‌الدین اردبیلی (ص ۶۸ با عنوان «پهلوی» و ص ۱۳۵) و دو دوبیتی به اطرافیان او (ص ۱۹۱، ۲۲۰ با عنوان «فہلوی») منسوب است. (← کسروی ۱۳۱۷، ص ۴۱-۵۱؛ همو ۱۳۵۲، ص ۳۴۳-۳۵۲؛ ادیب طوسی ۱۳۳۴ ب؛ یارشاطر ۱۳۵۴؛ ذکاء)

همدان ۱. دوبیتی‌های منسوب به بابا طاهر ہمدانی (قرن پنجم ہجری) از معروف‌ترین دوبیتی‌های فہلوی است که غالباً به سبب مردم‌پسند بودنشان به رنگ فارسی درآمده‌اند. با این همه، نمونه‌هایی در متون فارسی یا جُنگ‌ها و سفینہ‌ها نقل شده‌اند که بیش و کم ویژگی‌های اصلی خود را حفظ کرده‌اند؛ مثلاً دو قطعه و ہشت دوبیتی منسوب به او در جُنگی که در سال ۸۴۸ کتابت شده و اکنون در کتابخانہ موزہ مولانا (Mevlana Mü ze Kü tü phanesi) در قونیه، به شمارہ ۲۵۴۶، نگہداری می‌شود (← مینوی، ص ۵۴-۵۸؛ ادیب طوسی ۱۳۳۷، ص ۱-۱۱؛ بہار)؛ جُنگی دیگر (نسخہ خطی محفوظ در کتابخانہ مجلس به شمارہ ۹۰۰ که در قرن ہشتم ہجری استنساخ شده است؛ ← کیا ۱۳۱۷ یزدگردی، ص ۱۹-۲۲؛ ادیب طوسی، همان‌جا) نیز با عنوان «فہلویات» (بدون انتساب به شاعری خاص) حاوی چهار قطعه و ده دوبیتی است که پارہ‌ای از آنها همانند نمونه‌هایی است که در جُنگ قونیه درج شده است. دو بیت یکی از این قطعه‌ها را عبدالقادر مراغی (وفات: ۸۳۸) نیز نقل کرده است (ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۲؛ ← ع. صادقی). بیتی دیگر منسوب به بابا طاهر را نیز صائِن الدین تُرکہ (وفات: ۸۳۵) نقل کرده است.

۲. عین‌القضات ہمدانی (مقتول: ۵۲۵) چند بیتی ظاہراً به گویش خود نقل کرده است (ج ۱، ص ۳۱۴، ۳۳۰ که در آن فہلوی خوانده شده، در یکی از نسخہ‌بدل‌ها، ص ۳۷۰، با عنوان بیت پهلوی آمده است؛ نیز همو، ج ۲، ص ۱۶۸، ۱۷۶، ۳۷۴، ۴۱۱، ۴۴۴، که در آنها ہمہ نمونه‌ها اُورامہ خوانده شده است ← دنبالہ مقالہ).

۳. در متن صوفیانہ‌ای به فارسی که مؤلف آن معلوم نیست، سه دوبیتی و دو قطعه ہر یک حاوی سه بیت نقل شده است که ہمہ آنها شبیہ منسوبات به بابا طاهر است. این اشعار ظاہراً متعلق به قرن پنجم - ششم ہجری‌اند؛ زیرا، به قول دانش‌پژوہ (۱۳۳۷)، زبان متن به زبان عین‌القضات شباهت دارد.

۴. دو دوبیتی و یک تک‌بیتی که محمد راوندی (ص ۴۵-۴۶؛ ← ادیب طوسی ۱۳۳۷، ص ۱۱-۱۲) نقل کرده است.
۵. بیتی از شخصی به نام قاضی سجاسی (سجاس شهری بین همدان و ابهر)، که تاج‌الدین حلاوی (ص ۹۰) آن را، در وصف منزلت شمس سجاسی (وفات: ۶۰۲) (← مستوفی، ص ۷۳۶)، شاعر و گردآورنده دیوان ظهیر فاریابی، نقل کرده است. به روایت تاج‌الدین حلاوی، این بیت پیش از بیتی مشابه آن از ظهیر فاریابی (وفات: ۵۹۸) سروده شده بود که می‌رساند رونق حیات قاضی سجاسی در قرن ششم هجری یا پیش‌تر بوده است.
۶. یک غزل شش‌بیتی از کافی‌الدین کرجی (وفات: اوایل قرن ۷) که حمدالله مستوفی (ص ۷۴۶-۷۴۷) آن را نقل کرده است؛ یکی از این ابیات را عطا‌ملک جوینی (ص ۴۷) نیز نقل کرده است. شاعر ظاهراً از اهالی کرج ابودلف، شهری میان همدان و نهاوند، بوده است.
۷. اشعاری فهلوی از رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر معروف ایلخانان مغول (مقتول: ۷۱۸)، ظاهراً به گویش محلی خود او شامل یک مصراع به نام «زبان فهلوی» (ج ۱، ص ۲۹۰)، یک دو‌بیتی با عنوان بیت فهلوی، و مصراعی دیگر با عنوان زبان پهلوی. (ج ۱، ص ۵۷-۵۸)
۸. قطعه‌ای مشتمل بر سه بیت با عنوان پهلوی و ظاهراً به گویش همدانی (مستوفی، ص ۷۳۹-۷۴۰) از عزالدین همدانی، شاعر معاصر حمدالله مستوفی (وفات: پس از ۷۴۰).
۹. یک دو‌بیتی با عنوان پهلوی در نسخه‌ای خطی بی‌تاریخ از صحاح الفرس محمد نخجوانی (ص ۷۳). آمدن نام کوه الوند در آن ظاهراً بر آن دلالت دارد که به گویش همدانی سروده شده است. دو دوبیتی فهلوی دیگر به همان وزن و ردیف و مضمون نسبتاً مشابه در نسخه‌ای خطی که در سال ۹۸۰ در طرابوزان استنساخ شده (افشار ۱۳۶۰، ص ۸۲۳؛ عمادی، ص ۱۴۰-۱۴۲)، که دو دوبیتی اخیر را به دیلمان متعلق دانسته) به جا مانده است. همه این دوبیتی‌ها به زبان کهن شبیه زبان نمونه‌های فهلویات قرن ۵ هجری همدان سروده شده است.
۱۰. دو دو‌بیتی که عبدالقادر مراغی (ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۲؛ ← ع. صادقی) نقل کرده و آنها را «به زبان همدانی» عنوان داده است.

اصفهان اوحدی مراغه‌ای (حدود ۶۷۳-۷۳۸) سه غزل به گویش اصفهانی، با عنوان «فی لسان الاصفهانیة» (ص ۴۳۱-۴۳۲؛ ادیب طوسی ۱۳۴۲، ص ۱۵، ۳۸۷-۴۰۰)، دارد.

کاشان تقی‌الدین کاشی در خلاصۃ الأشعار (نسخه خطی مجلس به شماره ۳۳۴، مورخ ۱۰۱۳، ص ۲۲۶؛ ← راوندی، به تصحیح محدث، ص ۶۲ پانویس؛ ریاحی، ص ۱۹۲۹) یک دوبیتی از عنایت کاشانی نقل کرده است؛ اما این دوبیتی فہلوی خوانده نشده است.

کنارآب دو غزل از بدر شیروانی (حدود ۷۸۹-۸۵۴) که با عنوان «زبان کنارآب» (کنارآب احتمالاً ناحیه‌ای در آذربایجان شمالی است) نقل شده است. (ص ۶۶۵-۶۶۶؛ ذکاء، ص ۷۶-۸۰)

قزوین ۱. قدیم‌ترین نمونه به گویش قزوین بیتی است منسوب به مردم قزوین در زمان محاصره شهر به دست مسلمانان در قرن هفتم که مستوفی (ص ۷۷۶) آن را نقل کرده است. ۲. نمونه دیگر بیتی است که عبدالکریم رافعی، مؤلف قرن ششم، آن را به صورتی که از اسفندیویه (اسفندیار) جالیزبانی شنیده نقل کرده است. (ج ۲، ص ۲۸۶؛ ریاحی، ص ۱۹۳۰) ۳. بیتی از جمال‌الدین رُستقُ القُطنی (قطن محله‌ای در شهر قزوین)، معاصر ایلخان آباقا (حکومت: ۶۶۳-۶۸۰)، که مستوفی (ص ۴۷، ۷۲۵) آن را نقل کرده است.

۴. یک دوبیتی از ابوالماجد (یا ابوالمجید) رایگانی (رایگان روستایی نزدیک قزوین)، باز معاصر آباقا که مستوفی (ص ۷۲۰) آن را نقل کرده است.

۵. شاعر دیگر همین دوره به نام امیرکا (یا کاکا) خیارجی (خیارج روستایی از بخش رامند در قزوین) است که گفته شده شعری به گویش قزوین سروده (مستوفی، ص ۷۲۰)، اما هیچ‌یک از سروده‌های او باقی نمانده است.

۶. در نزهة القلوب (تألیف: ۷۴۰) دو تک بیت فہلوی به گویش قزوین نقل شده است. (چاپ لسترنج، ص ۱۹۵؛ چاپ ملک‌الکتاب، بمبئی، ص ۲۰۴؛ برای بیت دیگر در چاپ بمبئی، ص ۸۷، نیز ← دانش‌پژوه ۱۳۵۸، ص ۳۰۱)

۷. یک تک بیت فہلوی از عبید زاکانی (وفات: ۷۷۱) در کلیات او (ص ۲۳۲) چاپ شده است. علاوه بر آن، هفت دوبیتی با عنوان «در بهلویات» در برخی از نسخه‌های خطی قدیم دیوان او به جا مانده است (این اطلاع از زنده‌یاد محمدجواد محجوب، که مشغول تهیه تصحیح تازه‌ای از مجموعه آثار عبید بود، اخذ شده است).

۸. عبدالقادر مراغی از یک دوبیتی با عنوان کلی «فہلویات» و یک تک بیت با عنوان «زبان قزاونه» یاد کرده است. (ج ۲، ص ۱۴۲؛ ع. صادقی، ص ۵۶، ۶۳)

۹. یک تک بیت از قزوینی گمنامی که تاج‌الدین حلاوی (ص ۱۱) مؤلف قرن هشتم نقل کرده است. چند بیتی از حافظ صابونی، شاعر قزوینی قرن دهم، به جا مانده است. (صادقی کتابدار، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ امین‌احمد رازی، ج ۳، ص ۱۸۷؛ ع. صادقی، ص ۶۳)

۱۰. یک دوبیتی از شاعر قزوینی دیگر در قرن دهم را صادقی کتابدار (ص ۲۶۶-۲۶۷) نقل کرده است.

ری ۱. قدیم‌ترین نمونه‌های فهلوی از ری به بُندار (یا پندار) رازی منسوب است، که رونق حیات او اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بود، شامل یک تک بیت (عین‌القضات، ج ۲، ص ۸۲)؛ سه تک بیت و یک دوبیتی (شمس‌الدین رازی، المعجم، ص ۱۱۹، ۱۶۷؛ کیا ۱۳۱۴ یزدگردی، ص ۱۴)؛ یک قطعه مشتمل بر سه بیت، یک دوبیتی، و سه بیت از منظومه جموش‌نامه او (مستوفی، ص ۷۲۳-۷۲۴)، یک قصیده (جاجرمی، ج ۲، ص ۴۸۷-۴۹۴؛ همان‌جا)؛ سه بیت از یک غزل، دو دوبیتی و یک قطعه شامل دو بیت (امین‌احمد رازی، ج ۳، ص ۲۱-۲۳؛ مجمع‌الفصحا، ج ۱، ص ۴۳۹؛ همان‌جا)؛ یک قطعه چهار بیتی به نقل عبدالقادر مراغی (ج ۲، ص ۱۴۲؛ ع. صادقی، ص ۵۶، ۶۱)؛ و یک مصراع که تاج‌الدین حلاوی (ص ۸۹) نقل کرده است.

۲. یک دوبیتی منسوب به حضرت آدم که نجم‌الدین دایه رازی (وفات: ۶۵۴) (ص ۹۵) آن را نقل کرده است و به نظر می‌رسد متعلق به گویش ری باشد. اما همین دوبیتی در جُنگ اشعاری که در ۱۱۲۵ کتابت شده به مهان کشفی نَمینی (نمین در اردبیل) که در قرن هشتم می‌زیسته نسبت داده شده است. این دوبیتی در جُنگ دیگری نیز که در طالش یافت شده (← ریاحی، ص ۱۹۱۱-۱۹۱۴^۲ با ارجاعات) ضبط شده است.

۳. بیتی با عنوان «رازی» که عبید زاکانی (ص ۲۳۶) آن را نقل کرده است. اما در برخی از نسخه‌های خطی این بیت به مردم همدان نسبت داده شده است.

۴. اشعاری از ملاً سحری طهرانی که در قرن یازدهم می‌زیسته. (نصرآبادی، ص ۴۰۹-۴۱۰؛ ← کیا ۱۳۱۴ یزدگردی، ص ۲۰-۲۱)

(۲) در متن اصلی «ص ۱۹۳۰» آمده است. - مترجم

تبریز ۱. چهار دوبیتی با عنوان فهلویات منسوب به خواجه محمد گُججانی (وفات: ۶۷۷) (گُججان ۳ یا گُرجان روستایی نزدیک تبریز) که عبدالقادر مراغی (ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ ع. صادقی، ص ۵۶، ۵۹-۶۱) نقل کرده است.

غزل ملمعی ظاهراً به گویش تبریزی منسوب به همام تبریزی (وفات: ۷۱۴) (دیوان، ص ۶۲-۶۳؛ ادیب طوسی ۱۳۳۴ ب، ص ۴۶۰ و بعد). همین غزل با اندکی اختلاف به نام همام تبریزی در دیوان عبید زاکانی (ص ۱۶۷) نیز نقل شده است. همام بیت ملمعی در غزلی فارسی نیز دارد که در آن مصراع‌های احتمالاً از سراینده‌های دیگر و یا از سنت شفاهی عامیانه را نقل کرده است. این بیت را عبید (ص ۱۸۴) نیز نقل کرده است.

۲. یک غزل و چهارده دوبیتی با عنوان فهلویات از مغربی (وفات: ۸۰۹). (دیوان، ص ۲۵۵-۲۶۳؛ ادیب طوسی ۱۳۳۵، ص ۱۲۱-۱۳۷)

۳. دو تک‌بیت فهلوی از شرف‌الدین رامی تبریزی شاعر قرن هشتم. (ص ۱۹)

۴. یک دوبیتی از ماما عصمت (قرن ۹) با عنوان «راژی» (یا، بنا بر تداول عامیانه، شهری؛ ← دنباله مقاله) که ابن کربلایی (ج ۲، ص ۵۰؛ ادیب طوسی ۱۳۳۵، ص ۲۴۰-۲۴۳) آن را نقل کرده است.

۵. دو قطعه به گویش تبریزی که عبدالقادر مراغی (وفات: ۸۳۸) (ج ۲، ص ۱۴۲) آن را نقل کرده و مصحح به جای «تبریزی» آن را «ترمذی» خوانده است. (ع. صادقی، ص ۵۷، ۶۳)

طالش ۱. مجموعه‌ای از دوبیتی‌های منسوب به سید شرف‌الدین معروف به شرفشاه دولایی یا دولابی (یعنی همان طالشی) که احتمالاً در قرن هفتم می‌زیسته است. (۱۳۵۸، مقدمه؛ ۱۳۶۱، ص ۷-۳۳)

۲. اشعار محلی قاسم انوار (وفات: ۸۳۷) که احتمالاً از نوع فهلوی است. (کلیات، ص ۳۴۲-۳۴۴، ۳۴۷؛ BROWNE, *Lit. Hist. Persia* III, pp. 473-487; دولت‌آبادی، ص ۵۵۳-۵۵۶)

زنجان ۱. قطعه‌ای مشتمل بر ۹ بیت از یکی از شاعران قرن هفتم به نام اوتایچ (نسخه‌بدل: اُیانج و جز آن)، احتمالاً به زبان محلی خود او. (مستوفی، ص ۷۲۱-۷۲۲؛ ادیب طوسی ۱۳۳۴ ب، ص ۲۵۵-۲۵۹ که این نام را ایناُنج^۴ خوانده است)

(۳) در متن اصلی Kojjān و Kojjāni چاپ شده است. - مترجم

(۴) در مقاله ادیب طوسی (ص ۲۵۵) این نام به صورت «ایانج» و «اتانج» آمده است. - مترجم

۲. چهار بیت با نام پهلوی از جولاهه ابهری که در قرن هفتم می‌زیسته. (مستوفی، ص ۷۲۶-۷۲۷؛ ادیب طوسی ۱۳۳۴ الف، ص ۲۵۳-۲۵۵)

نمونه‌های فهلوی که به ناحیه و یا زمان خاصی منسوب نیستند

۱. یک دو بیتی که نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲) (ص ۵۱) نقل کرده است.
۲. سه دو بیتی که در حاشیه نسخه خطی منتخب رونق المجالس (برگ‌های ۱۰۰-۱۰۱) درج شده است؛ تاریخ این دو بیتی‌ها احتمالاً به قرن هفتم بازمی‌گردد. (افشار ۱۳۶۱؛ عمادی، ص ۱۴۰-۱۴۶، که این دو بیتی‌ها را به ناحیه دیلمان نسبت داده است)
۳. یک بیت با نام پهلوی که مستوفی (ص ۲۹۱) آن را نقل کرده است.
۴. یک بیت در نسخه خطی لغت فرس اسدی طوسی (تاریخ کتابت: ۱۳۳۲ م). (چاپ هوزن، ص ۳۴)
۵. دو دو بیتی با نام «فهلویات» که بسحاق اطعمه (وفات: ۸۲۷ یا ۸۳۰) (دیوان، ص ۱۱۳) آن را نقل کرده است.

منابع

ابن بزاز، المواهب السنية فی مناقب الصفوية (صفوة الصفاء)، بمبئی ۱۳۲۹ق / ۱۹۱۱؛ ابن خردادبه، کتاب المسالك و الممالک، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۸۹، ۱۹۶۷؛ ابن کربلایی، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرایی، ۲ جلد، تهران ۱۳۴۴-۱۳۴۹؛ ابن ندیم، الفهرست، تصحیح رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰، ۱۳۵۲؛ ادیب طوسی، «سه غزل اصفهانی از اوحدی مراغی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، س ۱۵، ش ۴، ۱۳۴۲، ص ۳۸۷-۴۰۰؛ همو، «فهلویات المعجم»، همان، س ۶، ش ۴، ۱۳۳۳، ص ۴۷۱-۴۷۸؛ همو، «نمونه‌ای از فهلویات قزوین و زنجان و تبریز در قرن هفتم»، همان، س ۷، ش ۲، ۱۳۳۴ (الف)، ص ۲۵۱-۲۷۳؛ همو، «فهلویات زبان آذری در قرن هشتم و نهم»، همان، س ۷، ش ۴، ۱۳۳۴ (ب)، ص ۴۶۰-۴۸۲؛ همو، «فهلویات ماما عصمت و کشفی به زبان آذری: اصطلاح راژی یا شهری»، همان، س ۸، ش ۸، ۱۳۳۵، ص ۲۴۰-۲۵۷؛ همو، «فهلویات مغربی تبریزی»، همان‌جا، ص ۱۲۱-۱۳۷؛ همو، «فهلویات لری»، همان، س ۱۰، ش ۱، ۱۳۳۷، ص ۱-۱۶؛ اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش پاول هورن، برلین ۱۸۹۷؛ افشار، ایرج، «فهلوی»، آینده، س ۷، ش ۱۱-۱۲، ۱۳۶۰، ص ۸۲۳؛ همو، «فهلوی‌های نسخه مورخ ۵۴۳ برلین»، همان، س ۸، ش ۱۲، ۱۳۶۱، ص ۹۳۲-۹۳۴؛ همو، «توضیحی درباره دو بیتی فهلوی»، همان، س ۹، ش ۲، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷؛ امین‌احمد رازی، هفت اقلیم، ۳ جلد، به کوشش جواد فاضل، تهران ۱۳۴۰؛ اوحدی اصفهانی (مراغی)، کلیات اوحدی اصفهانی، به کوشش سعید نفیسی، تهران ۱۳۴۰؛ بدر شیروانی، دیوان، به کوشش ابوالفضل رحیموف، مسکو ۱۹۵۸؛ برهان قاطع، محمد حسین بن خلف

تبریزی، به کوشش محمد معین، ۵ جلد، تهران ۱۳۴۲؛ بسحاق اطعمه، دیوان، به کوشش معرفت، شیراز ۱۳۶۰؛ بهار، مهرداد، «شعری چند به گویش همدانی از بابا طاهر»، پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، ش ۳، ۱۳۵۷، ص ۵-۲۲؛ پیرزاده زاهدی، شیخ حسین، سلسله‌النسب صفویه، برلن ۱۳۴۳ ش / ۱۹۲۴-۱۹۲۵؛ تاج‌الدین حلاوی، علی بن محمد، دقائق الشعر، به کوشش محمد کریم امام، تهران ۱۳۴۱؛ جاجرمی، محمد بن بدر، مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، به کوشش طبیبی، ۲ جلد، تهران ۱۳۵۰؛ خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد، مفاتیح العلوم، به کوشش فلوتن، لیدن ۱۸۹۵؛ دانش‌پژوه، محمد تقی، «چند فهلوی» در کتابی عرفانی، فرهنگ ایران زمین، ج ۶، تهران ۱۳۳۷، ص ۳۲۸-۳۳۳؛ همو، «نزهة القلوب»، نسخه‌های خطی، ش ۱۰، تهران ۱۳۵۸، ص ۳۰۰-۳۰۳؛ دولت‌آبادی، عزیز، «اشعار و ملمعات گیلکی قاسم انوار»، آینده، ش ۱۰، ۸-۹، ۱۳۶۳، ص ۳۵۶-۵۵۳؛ ذکاء، یحیی، «دریاره گویش کنارآب»، ایران‌نامه، س ۵، ش ۱، ۱۳۶۵، ص ۷۶-۸۰؛ رافعی قزوینی، عبدالکریم، کتاب التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین، ج ۲، به کوشش عطاردی، بیروت ۱۹۸۷؛ راوندی، محمد بن علی، راحة الصدور وآية السرور، به کوشش محمد اقبال، لیدن ۱۹۲۱؛ راوندی قاسانی، عبدالرضا، دیوان، به کوشش محدث ارموی، تهران ۱۳۳۴؛ رشیدالدین فضل‌الله، کشف الحقایق، ج ۱، تهران ۱۳۳۵؛ همو، اسنله و اجوبه، به کوشش رضا شعبانی، اسلام‌آباد ۱۹۹۲؛ رضازاده ملک، «یادداشتی دریاره واژه‌های پهلوی، شهری، درشهری، و راژی»، نقد و تحقیق، دفتر دوم، تهران ۱۳۵۶؛ ریاحی، محمد امین، «ملاحظاتی دریاره زبان کهن آذربایجان»، یادواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، ج ۴، تهران ۱۳۶۷، ص ۱۹۱۱-۱۹۴۶؛ سروری کاشانی، محمد قاسم، مجمع الفرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ۳ جلد، تهران ۱۳۳۸-۱۳۴۱؛ شرف‌الدین رامی تبریزی، حسن بن محمد، انیس العشاق، به کوشش عباس اقبال، تهران ۱۳۲۵؛ شرفشاه دولابی، دیوان، به کوشش محمدعلی صوتی، تهران ۱۳۵۸؛ همو، دیوان کوچک، به کوشش احمد سواررخش، تهران ۱۳۶۱؛ شفیعی کدکنی، محمدرضا، «رودکی و رباعی»، یادواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، ج ۴، تهران ۱۳۶۷، ص ۲۳۳۰-۲۳۴۲؛ شمس‌الدین رازی، محمد بن قیس، المعجم فی معایرالشعار العجم، به کوشش محمد قزوینی و مدرّس رضوی، تهران ۱۳۳۸؛ صائیان‌الدین تُرکة اصفهانی، شرح تائیه ابن فارض، به کوشش جودی، زیرچاپ؛ صادقی، علی اشرف، «اشعار محلّی جامع الالحان عبدالقادر مراغی»، مجله زبانشناسی، س ۹، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۵۴-۶۴؛ صادقی کتابدار، تذکرة مجمع الخواص، با مقدمه عبدالرسول خیامپور، تبریز ۱۳۲۷؛ عبدالقادر مراغی، جامع الالحان، به کوشش تقی بینش، ۲ جلد، تهران ۱۳۶۶-۱۳۷۲؛ عبید زاکانی، کلیات، به کوشش عباس اقبال، تهران ۱۳۳۱؛ عظاملک جوینی، تسلیت الاخوان، به کوشش ماهیار، تهران ۱۳۶۱؛ عمادی، عبدالرحمن، «شناسائی پنج فهلوی کهن»، آینده، س ۱، ش ۱۰، ۱۳۶۳، ص ۱۴۰-۱۴۶؛ عین‌القضات همدانی، نامه‌ها، به کوشش علی‌نقی منزوی و عقیف عسیران، ۲ جلد، تهران ۱۳۴۷-۱۳۵۰؛ فصیح خوافی، احمد بن محمد، مجمل فصیحی، به کوشش محمود فرّخ، ۳ جلد، مشهد ۱۳۳۹-۱۳۴۱؛ قاسم انوار، کلیات، به کوشش سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۷؛ کسروی، احمد، آذری یا زبان باستان آذربایگان، تهران ۱۳۱۷؛ همین اثر در کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکاء، تهران ۱۳۵۲، ص ۳۱۷-۳۷۴؛ کیا، صادق، «یادداشتی دریاره زبان رازی»، ایران‌کوده، گردآورنده محمد مقدّم، ش ۳، ۱۳۱۴ یزدگردی، ص ۱۴-۲۲؛ همو، «فهلویات و نیریزیات»، ایران‌کوده، گردآورنده محمد مقدّم، ش ۱۰، ۱۳۱۷ یزدگردی، ص ۱۹-۲۵؛ همو، واژه‌های فارسی میانه (پهلوی) در هشت واژه‌نامه فارسی، تهران ۱۳۵۷؛ مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین

نوابی، تهران ۱۳۳۶؛ همو، نزهت القلوب، چاپ لسترنج، لیدن ۱۹۱۵؛ همان، چاپ ملک الکتاب، بمبئی ۱۳۱۱/۱۸۹۳؛ مغربی تبریزی، محمد، دیوان، به کوشش میرعابدینی، تهران ۱۳۵۸؛ مینوی، مجتبی، «از خزاین ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۴، ش ۲، ۱۳۳۵، ص ۴۲-۷۵؛ نجم‌الدین دایه، ابوبکر عبدالله، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران ۱۳۶۵؛ نخجوانی، محمد بن هندوشاه، صحاح الفرس، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران ۱۳۴۱؛ نصرآبادی، محمداطاهر، تذکره نصرآبادی، تهران ۱۳۳۶؛ نصیرالدین طوسی، معیار الاشعار، به کوشش فشارکی و مظاهری، اصفهان ۱۳۶۳؛ نظامی گنجوی، هفت پیکر، به کوشش وحید دستگردی، تهران ۱۳۱۵؛ همو، خسرو و شیرین، به کوشش وحید دستگردی، تهران ۱۳۳۸؛ هدایت، رضا قلی‌خان، مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران ۱۳۳۶؛ همائی، جلال‌الدین، «اشتباه صاحب المعجم در اوزان فهلویات و اورامان»، جشن‌نامه استاد مدرّس رضوی، به کوشش ضیاء‌الدین سجّادی، تهران ۱۳۵۶، ص ۴۸۹-۵۱۳؛ همام تبریزی، دیوان، به کوشش عیوضی، تبریز ۱۳۵۱؛ یارشاطر، احسان، «آذری»، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، ج ۱، ۱۳۵۴، ص ۶۱-۶۹.

ALGAR, H., *The Path of Gods Bondsmen*, Boulder, Colo. 1979; BROWNE, Edward G., *A Literary History Persia*, 4 vols., London 1902-1924; *The Fihrist of al-Nadim*, tr. Bayard Dodge, 2 vols., New York and London 1970; HENNING, Walter G., "Mitteliranisch", *Handbuch der Orientalistik I*, IV, 1, Leiden and Cologne 1958, pp. 20-130; YARSHATER, Ehsan., "Azerbaijan vii: The Iranian Language of Azerbaijan", *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan YARSHATER (ed.), London and Costa Mesa, Calif. 1982, pp. 238-245.

تکمله مترجم

پس از نگارش مقاله «فهلویات» و انتشار آن در دایرة‌المعارف ایرانیکا در ۱۹۹۹، تاکنون تحقیقات زیر درباره فهلویات به چاپ رسیده است:

– «فهلویات عبید زاکانی»، علی‌اشرف صادقی، مجله زبانشناسی، سال ۱۳، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۲۵ و ۲۶)، ۱۳۷۷، ص ۲-۸.

– «شروینیان یا عشق‌نامه شروین دشتیبی و شروه‌سرایی»، علی‌اشرف صادقی، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به کوشش علی‌اشرف صادقی، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۳۳-۲۴۳.

– «فهلویات عین‌القضاة همدانی و چند فهلوی دیگر»، علی‌اشرف صادقی، مجله زبانشناسی، سال ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۳۵)، ۱۳۸۲، ص ۱۳-۲۴.

